

## تاریخ حاشیه گذاری بر قرآن کریم ( بررسی محتوای سوره به سوره یا قرآن مترجم )

دکتر عبدالمجید طالبتاش

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا

فسا- ایران

### چکیده

الفاظ و عبارات قرآن کریم تولید شده از جانب آفریدگار هستی است که توسط فرشته امین وحی بر پیامبر عظیم الشان اسلام فرود آمده است تا انسان ها در سایه تعلیمات و آموزه های حیاتبخش آن ، طریق مستقیم زندگی را دریابند و با به کار گیری دستورات آن به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت نائل آیند . اما از آنجا که این کتاب آسمانی در سیر نزولی خود از جایگاه " عند الله " به میان انسانها که ساکن در این کره خاکی هستند ، فرو فرستاده شده ، در قالب متن بشری درآمده است تا برای انسان ها قابل دسترسی و بهره برداری باشد . بدیهی است که چنین متنی نیاز به توضیح و تبیین دارد که بر اساس فرمان الهی این مهم بر عهده شخص پیامبر اسلام نهاده شده است . لذا می فرماید : « و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلمهم یتفکرون نحل/۴۴ » این مساله سبب شده است که پیامبر اسلام از نخستین روزهای نزول قرآن ، به تبیین و توضیح برخی آیات بپردازد که برخی از کاتبان وحی و صحابه به نوشتن آن توضیحات در حاشیه متن قرآن اقدام می نمودند و این امر خاستگاه نوعی تدوین در نگارش قرآن شد که امروزه با عنوان « حاشیه گذاری قرآن » شناخته می شود . لذا حاشیه گذاری بر قرآن از زمان صدر اسلام آغاز شد و همچنان ادامه دارد . با پیشرفت چاپ و نوع کتاب نویسی این امر وضعیت جدیدی به خود گرفته است که رایج ترین نوع آن را می توان در چاپ قرآنها مترجم دنبال نمود . اما پژوهشگران قرآنی تنها به ترجمه متن قرآن اکتفا نکرده اند و به نگارش ترجمه واژگان ، شان نزول آیات ، توضیح واژگان و آیات و سایر اطلاعات مرتبط اقدام نموده اند . این مقاله که بر گرفته شده از طرح پژوهشی « قرآن مترجم » است تاریخ این گونه پژوهش های قرآنی را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است و به بررسی شیوه حاشیه گذاری قرآن مترجم و ویژگی های آن پرداخته است .

**کلید واژه ها :** ترجمه ، حاشیه گذاری ، قرآن کریم ، پژوهشگران مسلمان ، تاریخ

حاشیه از واژه «حشو» به معنای زائد، اضافه، کنار و کناره است که در نویسندگی به دوره سفید اطراف متن اطلاق می‌شود. همچنین است نوشته‌هایی که در کنار متن می‌آید.

(حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۸۰، ۶، ۱۹) بر همین اساس به کناره و پیاده رو نیز حاشیه خیابان اطلاق می‌شود و در مورد کار کتاب به تعلیق‌هایی که بر متن زده می‌شود حاشیه نویسی می‌گویند.

(دهخدا، ۱۳۷۷، ۶، ۸۵۱۴) از آن جا که حاشیه نویسی بر کتب و اظهار نظر در تألیف دیگران آسان‌تر از تألیف است از قدیم عمومیت بسیار یافته است. پیش از سده دهم حاشیه نویسی مقداری محدودتر بود و حاشیه نویسان فقط به توضیح برخی عبارات‌های معلق که از متن جا افتاده بود اکتفا می‌کردند لذا حاشیه‌ها از خود متن واضح‌تر و روشن‌تر بود اما در قرن‌های اخیر و به‌طور مشخص در دوران صفویه و قاجاریه که می‌توان به دو دوره گسترش حاشیه نویسی نامگذاری کرد تعداد حاشیه‌ها بسیار شده است و عبارت‌های حاشیه از متن معلق‌تر و پیچیده‌تر شده است و هر قدر در تاریخ پیش‌آیم این خاصیت آشکارتر می‌گردد. (همان / همان صفحه)

قدمت حاشیه نویسی را می‌توان با پیدایی متن نویسی همراه دانست زیرا بعضاً پیش‌می‌آمده است که نویسندگان برای مطالبی که در متن نگارش کرده خود اقدام به نگارش توضیحاتی می‌کرده است. (آقا بزرگ‌طهرانی ۱۴۳۰ قمری، ۶، ۷) با این همه مشخص کردن تاریخ اولیه حاشیه نویسی کار آسانی نیست و در تمدن اسلامی، حاشیه نویسی بر انواع کتاب‌ها از ابتدا معمول بوده است. این کار بخصوص برای کتاب‌های ادبی، فقهی، حدیثی، اصولی، کلامی، فلسفی، منطقی و عرفانی بیشتر صورت می‌گرفته است (حداد عادل و همکاران، ۱۳۷۵، ۱۲، ۳۶۹).

حاشیه‌هایی که عالمان شیعی بر متون اهل سنت نگاشته‌اند بسیار است. از جمله قوشچی متوفای ۸۷۹ قمری شرحی بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی متوفای ۶۷۲ قمری نگاشته است که ابتدا ملا جلال دوانی متوفای ۹۰۷ قمری بر شرح قوشچی حاشیه نوشت و به دنبال آن تا کنون دست کم ۲۳ حاشیه بر دوانی بر شرح قوشچی نوشته شده است. این‌گونه حاشیه‌ها جنبه‌ی انتقادی داشته است. نوع دیگر،

حاشیه های فتوایی است که آنها را نیز می توان مشابه حواشی انتقادی تلقی کرد زیرا حاشیه نویس با درج فتوای خویش ، تفاوت های دیدگاه خود با نویسنده متن را آشکار ساخته است . نمونه دیگر حاشیه هایی است که به عنوان شرح و توضیح مطالب نویسنده نگارش شده است . (همان، ۳۷۱)

حاشیه نویسی در جهان اسلام به روزگار انتشار گسترده کتاب های خطی باز می گردد که هرکس مطلبی را می خواند از نگارش دیدگاه خویش درباره آن متن خودداری نمی کرد تا جایی که برخی از دانشمندان ، حاشیه نویسی را یکی از وظایف خویش به شمار می آوردند . آنان ضمن نسخه برداری از کتب معروف و معتبر ، مطالب خود را در اطراف و یا در لابه لای صفحات گوناگون می نوشتند سپس دنباله مطلب را پی می گرفتند . بر این اساس هرگاه کتاب تازه ای نوشته می شد ، حاشیه ها از هر سوی آن را در میان می گرفت و به سوی آن روی می آورد . همچنین پس از نشر این حاشیه ها ، باز کسان دیگری پیدا می شدند که حواشی دیگری بر حاشیه های قبلی می نوشتند و از آرای نویسنده اصلی پشتیبانی و نظرات مخالف وی را رد می کردند و یا از حاشیه نویس دفاع می کردند و یا احیاناً نقش داور و میانجی را در میان آرای متناقض برعهده می گرفتند . (حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۸۰، ۶، ۱۹)

#### حاشیه گذاری بر قرآن

در عصر نزول ، نگارش قرآن با خطی بسیار ساده و ابتدایی صورت می گرفت که از هرگونه علامت و نشانه های حرکتی و نقطه گذاری که هم اکنون از آنها برای نمایاندن حرکات یا سکول و یا باز شناسی حروف متشابه استفاده می شود ، تهی بود . علاوه بر این شرایط نگارشی ، با این هدف که خط قرآن ، نسبت به قرائات مختلف قابل انعطاف باشد و بتواند وجوه متفاوتی را که در قرائات قرآن روایت شده بود تحمل نماید، آن را عاری از هرگونه مشخصات و علائم اضافی می نگاشتند ( حجتی، ۱۳۶۸، ۴۶۳).

کاتبان وحی در نگارش آیات قرآن بر پرهیز از هرگونه اضافه نویسی تاکید می ورزیدند ، حتی احادیث قدسی به رغم اعتقاد دانشمندان مبنی بر اینکه مضامین آنها از خداوند است ، و به نظر برخی دانشمندان همانند قرآن از سوی خداوند نازل شده است

، با نهایت احتیاط و محکم کاری از متن آیات قرآن دور نگاشته می شد و جداگانه نوشته می شد. ( صبحی صالح، ۱۳۶۳، ۵۴ )

ابو عبید و دیگران از ابن مسعود آورده اند که گفت: قرآن را جدا کنید و با چیزی مخلوط ننمایید ( سیوطی، ۲، ۱۳۶۳، ۵۴۱ ).

و از ابن داود نقل شده که مصحفی را نزد او آوردند که در آن نوشته بود: سوره فلان و چندمین آیه. وی می گفت: این را پاک کنید که ابن مسعود آن را اکراه می داشت.

این رویکرد براساس سفارش پیامبر اسلام شکل گرفته بود که تلاش می کرد متن قرآن از هرگونه اختلاط و تحریف مصون بماند و احیانا با گفتار یا نوشتار دیگران یا خود ایشان تداخل پیدا نکند، لذا از ایشان نقل شده است که فرمود:

« لا تکتبوا عنی غیر القرآن و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه؛ چیزی غیر از قرآن است من ننویسد و هرکس غیر از قرآن من بنویسد باید آن را محو نماید. »

لذا پس از اینکه دوران نگرانی اختلاط قرآن با غیر قرآن به پایان رسید و پیامبر اکرم ( ص ) احساس کرد نگارش حدیث و سایر متون در کنار قرآن، منجر به تداخل با قرآن و یا تحریف آیات نمی شود، اجازه نگارش حدیث را صادر نمود و فرمود:

« قیدو العلم بالکتابه علم را با نوشتن به بند آورید » ( صبحی صالح، ۱۳۶۳، ۸ )

نظر به این توصیه و تجویز جدید پیامبر، برخی از صحابه و کاتبان وحی، توضیحات و تبیین پیامبر پیرامون برخی آیات را در حاشیه آنها به نگارش می آوردند، لذا خود پیامبر زمینه حاشیه گذاری بر قرآن را فراهم آورد. نام گذاری سوره های قرآن توسط پیامبر ( ص ) و یا صحابه، و نگارش آنها در حاشیه سوره های قرآن، فضیلت قرائت سوره ها و توضیحات پیامبر بر آیات، نخستین گام در شروع حاشیه گذاری بر قرآن به شمار می آید. از ابی ابن کعب نقل است که گفت: رسول خدا مرا احضار کرد و فرمود: جبرئیل مرا مأمور ساخت که به تو درود و تهنیت گفته و قرآن را بر تو بخوانم. عرض کردم، پدر و مادرم فدای تو باد، مرا به فضیلت قرائت قرآن آگاه فرما. رسول خدا ( صلی اله علیه و آله ) به بیان ثواب قرائت سوره به سوره قرآن پرداخت و از سوره

فاتحه الكتاب آغاز نمود و به ترتیب ثواب قرائت سوره ها را تا آخرین سوره ذکر نمود و من نوشتم (صحیح صالح، ۱۳۶۳، ۶۹ تا ۷۴)

همچنین درباره مصحف عایشه نوشته اند که زیادت هایی در آن به عنوان توضیح و بیان آیات دیده می شد (همان / ۸۵). نخستین کسی که قرآن را حاشیه گذاری کرد و علاوه بر متن قرآن، اضافاتی در حوزه علوم قرآنی گزارش نمود، علی علیه السلام است. ابن سیرین روایتی را از قول ابن اشته نقل می کند که در کتاب المصاحف آن را ذکر کرد و گفته است: علی علیه السلام در مصحف خود، ناسخ و منسوخ قرآن را نوشته بود. وی یادآوری می کند که من آن کتاب را جستجو کردم و آن را از مدینه خواستم اما به دست نیاوردم (سیوطی، ۱۳۶۳، ۱، ۲۰۳)

این روایت با قول یعقوبی نیز سازگار است که آورده است علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر اسلام قرآن را جمع آوری کرد و آن را بر شتری نهاده آورد و گفت: « هذا القرآن قد جمعته؛ این قرآن است که آن را گرد آوری نمودم ». ایشان قرآن را به هفت جزء تقسیم کرده بود (یعقوبی، ۲، ۱۵). این مصحف به ترتیب نزول تنظیم شده بود و با مشروح و تفسیرهایی پیرامون آیاتی از قرآن همراه بود که در آن ها ابهام وجود داشت.

همچنین اسباب نزول و شرح نزول آیات نیز در آن نوشته شده بود (معرفت، ۱۴۱۶ قمری، ۱، ۲۸۸)

ابوالاسود دثلی شاگرد امیرالمومنین، متوفای ۶۹ هجری به طور رسمی نخستین حاشیه گذار قرآن در جوامع مسلمین به شمار می آید. تاریخ نویسان گفته اند که زیاد بن سمیه والی بصره از او خواست تا حرکت هایی برای درست خوانی قرآن وضع کند و به او گفت: چقدر نیکو خواهد بود که روش و قاعده ای فراهم آوری تا مردم بتوانند به این وسیله زبان و لغت خود را اصلاح نموده و کلام الهی را با اعراب و نشانه های حرکات و سکون بخوانند. ابوالاسود از این کار امتناع می ورزید. زیاد، شخصی را مأمور کرد تا بر سر راه رفت و آمد ابوالاسود بنشیند و هنگامی که به وی نزدیک شد قرآن را با صدای بلند قرائت کرد و آیه ۳ توبه « ان الله بري من المشركين و رسوله » را قرائت کرد و رسوله را با کسر لام قرائت نمود که معنای زننده ای به همراه داشت. در

نتیجه، این امر بر ابوالاسود گران آمد و آمادگی خود را برای حرکت گذاری قرآن اعلام نمود.

می گویند زیاد بن سمیه سی نفر نویسنده در اختیار ابوالاسود گذاشت که او یک نفر را از میان آنها انتخاب کرد و به وی گفت: قرآن را بر گیر و با رنگی متفاوت از رنگ قرآن، طبق گفته های من، نشانه گذاری کن. ابوالاسود به او گفت: وقتی دیدی لب ها را در مورد حرفی گشوده و بالا می برم، یک نقطه روی آن حرف قرار بده (فتحه)، و هرگاه در حرفی لب هایم را پایین آوردم، نقطه ای زیر آن بگذار (کسره) و اگر لب هایم را در مورد حرفی بستم، یک نقطه در وسط آن بنویس (ضمه) و در صورتی که همراه با این حرکات، حرفی را با غنه ادا کردم دو نقطه در همان موضع بگذار (تنوین) (حجتی، ۱۳۶۸، ۴۶۶)

پس از ابوالاسود، دیگران از روش او استفاده می کردند، و مردم مدینه برای حروف مشدّد نشانه ای ابتکار کردند که به صورت قوس افقی بود که دو طرف آن به سوی بالا قرار داشت (∞). بعد هاپیروان ابوالاسود نشانه های دیگری وضع کردند، به این معنی که برای نشان دادن سکون، خط تیره افقی (-) روی حرف ساکن می گذاشتند و برای نشان دادن الف وصل در صورتی که ماقبل آن مفتوح بود، خط تیره ای روی الف و پیوسته به آن می نوشتند (T) و در صورتی که ماقبل الف مکسورد بود خط تیره ای زیر الف و متصل به آن می نوشتند (⊥) و در صورت مضموم بودن ماقبل آن، خط تیره ای میان همان الف، رسم می کردند (+) (همان، ۴۶۷)

نقطه هایی که ابوالاسود به عنوان حرکت روی حروف و زیر آنها قرار داد بعدها به حرکت هایی تبدیل شد که خلیل بن احمد مبتکر آن بود که نتیجه به صورت مستطیل (-) بالای حروف قرار داده می شود و کسره به همان شکل در زیر حرف، و ضمه و او کوچکی است که بالای حرف واقع می شود، و تنوین در شکل کنار هم می باشد (سیوطی، ۱۳۶۳، ۲، ۵۴۳)

آنچه قابل اهمیت است این که مسلمانان از مخلوط شدن متن اصلی قرآن با هر چیز دیگری ابا داشتند به همین لحاظ حتی حرکت های مشخص شده توسط ابوالاسود و

بعدها خلیل بن احمد را نیز با رنگ دیگری غیر از متن قرآن می نوشتند تا متن قرآن از هر اضافه ای مصون بماند.

ابوعمرالدانی می گوید: جایز نمی دانم نقطه گذاری با رنگ سیاه انجام گیرد، به جهت تغییری که در شکل رسم الخط بوجود می آید بلکه باید حرکت ها و تنوین و تشدید و سکون و مدّ با خط سرخ رنگ نوشته شود و همزه با رنگ زرد نگارش شود (همان، ۵۴۲) این امر از آن جهت مورد تأکید قرار می گرفته تا متن قرآن که به رنگ سیاه نوشته می شده است با حواشی آن مخلوط نگردد، چه اینکه از ابن مسعود نیز نقل است که گفت: جردوا القرآن قرآن را مجرد نمایید، یعنی در خط از نقطه و تعشیر خالی کنید (همان، ۵۴۳).

هر چند این تأکیدها بیان گر توجه مسلمان به مجرد نگاری قرآن بوده است اما همین نوشتن ها و به رنگ های دیگری آوردن خود نوعی حاشیه گذاری بر قرآن به شمار می آید.

بعدها به زمانی می رسیم که نقطه گذاری مصحف رواج می گیرد و نه تنها آن را مکروه نمی دانند و ناروا نمی شمرند بلکه همگان به این کار روی می آورند و اعراب گذاری مصحف نیز معمول می شود و دیگر کسی با این کار مخالفت نمی کند، درست برعکس زمانی که مسلمانان می ترسیدند با نقطه و اعراب گذاری متن قرآن تغییر پیدا کند. حتی کار به جایی رسید که دیگر می ترسیدند که مبادا اگر مصحف ها با نقطه و اعراب ننویسند، جاهلان متن قرآن را اشتباه بخوانند. این امر نشان می دهد که انگیزه اصلی جبهه گرفتن مسلمانان در برابر نقطه گذاری و اعراب گذاری و حاشیه نویسی قرآن در صدر اسلام، و همین طور روی آوردن آنها به اعراب گذاری در چند قرن بعد، علاقه مندی مسلمانان به حفظ و حراست از متن قرآن بوده است (صبحی صالح، ۱۳۶۳، ۱۵۲).

نووی می گوید: نقطه و شکل گذاری مصحف مستحب است، زیرا که آن را از لحن و تحریف حفظ می کند (سیوطی، ۱۳۶۳، ۲، ۵۴۲).

از جمله نوآوری هایی که در قرن های اخیر به مباح بودن و حتی استحباب آن حکم شده است. اما علمای اسلامی در آغاز کار مکروه می دانستند، نگارش عناوین

سوره ها در آغاز سوره ها و گذاردن علامت فاصله میان آیه های قرآن و تقسیم قرآن به ۳۰ جزء و تقسیم هر جزء به ۴ حزب و تقسیم هر حزب به ۴ ربع و برای نشان دادن هر یک از این تقسیمات، علائم و نقوش خاصی در صفحات قرآن افزودن است ( صبحی صالح، ۱۳۶۳، ۱۵۳ )

خطاطان و نسخه نویسان نیز در زیبا سازی و تکامل نگارش و خط قرآن به نوبه خود سهیم بودند. خط نویسان و نسخه پردازان تا اواخر قرن چهارم هجری همچنان مصاحف را با خط کوفی می نوشتند و در اوائل قرن پنجم هجری خط نسخ جای خط کوفی را گرفت. در خط نسخ نظام کامل نقطه و اعراب و دیگر علائمی که همچنان تا به امروز در نگارش قرآن معمول است، موجود می باشد ( همان، ۱۵۶ )

هنگامی که در اروپا صنعت چاپ به وجود می آید در سال ۱۵۳۰ میلادی برای نخستین بار قرآن به همراه حرکت ها و اعراب ها به چاپ می رسد اما مقامات کلیسا فرمانی صادر می کنند دال بر این که همه نسخه های قرآن به محض از چاپ بیرون آمدن معدوم گردند. پس از آن هنکلمان در شهر هامبورگ در سال ۱۶۹۴ میلادی نسبت به چاپ قرآن اقدام نمود و پس از وی ماراکی در شهر پادو در اروپا در سال ۱۶۹۸ بار دیگر قرآن را به چاپ رسانید.

در این زمان، شرایط مسلمانان به گونه ای است که از چاپ قرآن خبر نداشتند. نخستین چاپ قرآن توسط مسلمانان در سال ۱۸۷۸ در شهر پترزبورگ روسیه به همت مولای عثمان صورت گرفت و در همان زمان نسخه دیگری از قرآن در شهر قازال به چاپ رسید. بعد، نوبت به ایرانیان رسید و قرآن دو مرتبه در ایران چاپ سنگی شد. یکی در سال ۱۲۴۸ قمری ( ۱۸۲۸ میلادی ) در تهران و دیگری در سال ۱۲۵۳ قمری ( ۱۸۳۳ میلادی ) در تبریز.

بالاخره در سال ۱۳۴۲ قمری ( ۱۹۲۳ میلادی ) چاپ آراسته و دقیقی از قرآن زیر نظر استادان دانشگاه الازهر مصر منتشر گردید که مطابق با قرائت عاصم به روایت حفص بود. جهان اسلام این مصحح را تلقی به قبول کرده است و هم اکنون سالیانه میلیون ها نسخه از این مصحف به چاپ می رسد و در اطراف و اکناف جهان از آن استفاده می کنند ( همان، ۱۵۷ )



در سال ۱۸۳۴ میلادی فلوگل آلمانی قرآن را به سبک خاصی به چاپ رساند که به خاطر رسم الخط جدید و ساده نویسی هایی که در نگارش آن به کار رفته بود، به طرز بی سابقه ای مورد استقبال اروپاییان قرار گرفت. وی در سال ۱۸۴۲ کتاب «الفرقان فی اطراف القرآن» نوشت که محمدفواد عبدالباقی دانشمند مسلمان مصری آن را مورد بررسی قرار داد و کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» را بر اساس آن نگارش کرد و اشتباهات آن را با دوستان محقق و اهل فن خود در میان گذارد و به اصطلاحات آن همت گماشت (عبدالباقی، ۱۳۷۲).

در حقیقت پیشتاز حاشیه گذاری قرآن در عصر حاضر مصری ها به شمار می آیند که با حرکت محمدفواد عبدالباقی در نگارش المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم آغاز شد و تا کنون نیز ادامه دارد و در کشور های دیگر اسلامی نیز شکل گرفته است که در اینجا به معرفی برخی از این گونه حاشیه گذاری هایی می پردازیم که در ایران و دیگر کشورهای مسلمان به چاپ رسیده است:

۱- دکتر محمد حسن الحمصی اقدام به تالیف «تفسیر و بیان، مفردات القرآن علی مصحف التجوید» نموده است که توسط موسسه الایمان در لبنان به زیور طبع آراسته شده است. مولف متن قرآن را در وسط هر صفحه قرار داده و واژگان مشکل را با ذکر شمارگان آیه ترجمه کرده و در صورت لزوم توضیح داده و یا تفسیر مختصر واژه را ذکر کرده است:

در قسمت پایین هر صفحه به نگارش اسباب نزول سیوطی پرداخته است و از آنجا که امکان همسانی آیات دارای شأن نزول با متن اسباب نزول سیوطی وجود نداشته است لذا در حاشیه هر آیه ای که سبب نزول آن آمده است به شماره صفحه ای اشاره شده که اسباب نزول آن نگارش شده است. در پایان متن قرآن ابتدا دوره مختصری از احکام تجوید ذکر کرده و به دنبال آن با عنوان، فهرست الالفاظ، اقدام به طراحی کشف اللغات در سوره ها نموده است که بر اساس حروف الفباء و بر مبنای ریشه واژگان قرآن تنظیم شده است. در قسمت پایانی با عنوان «فهرس الموضوعات» اقدام به تهیه فهرست

موضوعات مهم قرآنی کرده و ۱۵ موضوع کلی که هر یک خود به چند موضوع جزئی تقسیم می شوند فهرست گذاری کرده است (الحمصی ، بی تا )



[۱۱۰] کنتم خیر امة. کنتم كذلك في تقدير الله تعالى وحكمه [۱۱۱]. اذى. ضرراً يسيراً كالکذب أو التهديد. يولؤکم الأدبار. ينهزموا [۱۱۲]. ضربت عليهم الدلة. أحاطت بهم، أو

أصیقت بهم. أين ما نفقوا.

۶۴

سورة آل عمران ۳

في أي مكان وجدوا أو

أدرکوا. الإبحل من

الله... بعهد منه تعالى

على المؤمنین بعدم

إيذائهم إذا دفعوا الجزية

وحبل من الناس. أو إذا

عقدوا عهداً مع من

يتقون به. باؤوا بغضب.

رجعوا به مستحقين

لانتقام الله المسكنة.

الاستكانة والمهانة بأن

يحكمهم غيرهم

[۱۱۳]. لیسوا سواء. لیس

أهل الكتاب بمستوى

واحد. أمة قائمة. جماعة

مستقيمة ثابتة على الحق

. آساء السيل. ساعاتیه

[۱۱۵]. فلن يكفروه. فلن

يحرمهم الله تعالى جزاءه.

۱۱۰. قال رسول الله ﷺ: «مثل

القائم في حدود الله والواقع فيها،

كمثل قوم استهموا على سفينة.

فصار بعضهم أعلاها وبعضهم

أسفلها، وكان الذين في أسفلها

إذا استقوا من الماء مروا على من

فوقهم، فقالوا: لو أنا خرقنا في

نصيبنا خرقتنا ولم نؤذ من فوقنا!! فإن تركوهم وما أرادوا هلكوا جميعاً، وإن أخذوا على أيديهم نجوا جميعاً». أخرجه البخاري.

الناس. وأخرج ابن المنذر، عن أسماء بنت أبي بكر، قالت: كانت قريش يقفون بالمرزلفة، ويقف الناس

بعرفة، إلا شيبه بن ربيعة؛ فأنزل الله ﴿ثم أفيضوا من حيث أفاض الناس﴾.

أسباب نزول الآية - ۲۰۰ - قوله تعالى: ﴿فإذا قضيتم﴾ الآية، أخرج ابن أبي حاتم، عن ابن عباس، قال:

كان أهل الجاهلية يقفون في الموسم، يقول الرجل منهم: كان أبي يطعم ويحمل الحملات ويحمل الديات،

ليس لهم ذكر غير فعال آبائهم، فأنزل الله ﴿فإذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله﴾ الآية. وأخرج ابن جرير،

عن مجاهد، قال: كانوا إذا قضوا مناسكهم وقفوا عند الجمرة، وذكروا آباءهم في الجاهلية وفعال آبائهم؛ =

۲ - حاشیه ای همانند حاشیه محمد الحمصی توسط شیخ محمد مخلوف فراهم آمده که توسط دارابن کثیر در دمشق و در بیروت به چاپ رسیده است. محمد مخلوف سعی کرده است برخی از واژگان مشکل هر صفحه را در کنارهای آن توضیح دهد. وی همچنین اسباب نزول نیشابوری را در ذیل صفحات قرار داده و برای اینکه خواننده بتواند به راحتی شأن نزول آیات را جستجو کند در کنار آیاتی که سبب نزول آن ذکر شده، شماره صفحه ای که شأن نزول آیه در آن آمده است را ذکر کرده است. همچنین در پایان این مصحف توضیح مختصری راجع به احکام تجوید قرآن قرار داده شده است. (مخلوف، بی تا)



سُورَةُ النَّبَاِ  
الْمِيزَانِ

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسًا  
دِهَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا ﴿٣٥﴾ بَأْسًا جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً  
حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ  
مِنَهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ  
إِلَّا مَن أِذْنُ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَن  
شَاءَ اخْتِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَثَابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ  
يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْاقًا ﴿١﴾ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا ﴿٢﴾ وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا ﴿٣﴾  
فَالسَّيِّدَاتِ سَبْقًا ﴿٤﴾ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ﴿٥﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾  
تَتَّبِعُهَا الرَّاكِدَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَرُهَا  
خَشِيعَةً ﴿٩﴾ يَقُولُونَ أَيْنَا الْمَرْدُودُونَ فِي الْخَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَيْنَا ذَا كُنَّا  
عِظْمًا تَخْرُجُ ﴿١١﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ  
وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿١٥﴾

۵۸۳

[۳۱] ﴿ مَفَازًا ﴾ فَوْزًا وَظَفْرًا

بِكُلِّ مَخْتُوبٍ .

[۳۳] ﴿ وَكَوَاعِبَ ﴾ نَتِیَاتِ نَاهِدَاتِ

(نِسَاءِ الْجِنَّةِ) ﴿ أَتْرَابًا ﴾

مُشْتَرِیَاتِ فِي الشَّنِّ .

[۳۴] ﴿ وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴾ مُشْرَعَةً

مَلِیَّةً مِنْ خَمْرِ الْجَنَّةِ .

[۳۵] ﴿ لَغْوًا ﴾ كَلَامًا غَیْرَ مُغْنَدٍ

بِهِ أَوْ قَبِیْحًا ﴿ كِدًّا ﴾ تَكْذِیْبًا .

[۳۶] ﴿ عَطَاءً حِسَابًا ﴾ إِحْسَانًا

كَافِيًا أَوْ كَثِیرًا .

[۳۷] ﴿ خِطَابًا ﴾ إِلَّا بِإِذْنِهِ .

[۳۸] ﴿ الرُّوحُ ﴾ جَبْرِیلُ عَلَیهِ

السَّلَامُ .

[۳۹] ﴿ مَثَابًا ﴾ مَرْجَعًا

بِالإِیْمَانِ وَالطَّاعَةِ .

[۴۰] ﴿ كُنتُ تُرَابًا ﴾ فِي هَذَا

الْیَوْمِ فَلَا أُعْذِبُ .

\*\*\*

[۷۹] سورة النازعات

مكة (آياتها ۴۶)

[۱] ﴿ وَالنَّازِعَاتِ ﴾ أَقْسَمَ اللَّهُ

بِالْمَلَائِكَةِ تَنْزِيلُ أَرْوَاحِ الْكُفَّارِ

مِنْ أَقْصَايِ أَجْسَادِهِمْ ﴿ غَرْاقًا ﴾

نَزْعًا شَدِيدًا مُؤَلِمًا بَالِغَ الْغَايَةِ .

[۲] ﴿ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا ﴾

الْمَلَائِكَةُ نَسَلُ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ

بِرَفْقٍ . [۳] ﴿ وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا ﴾

الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلُ مُشْرَعَةً لِمَا أَمُرَتْ بِهِ . [۴] ﴿ فَالسَّيِّدَاتِ سَبْقًا ﴾ الْمَلَائِكَةُ تَسْبِقُ بِالْأَرْوَاحِ إِلَى مُسْتَقَرِّهَا نَارًا أَوْ جَنَّةً .

[۵] ﴿ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ﴾ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلُ بِالتَّذْيِيرِ الْعَامُورِ بِهِ . [۶] ﴿ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴾ لَتَبْعَتُنَّ (جواب القسم) يَوْمَ

تَضْطَرُّبِ الْأَجْزَامِ بِالصَّيْحَةِ الْهَائِلَةِ (نَفْخَةُ الْمَوْتِ) . [۷] ﴿ تَتَّبِعُهَا الرَّاكِدَةُ ﴾ نَفْخَةُ الْبَغْتِ الَّتِي تَزْدُفُ الْأُولَى .

[۸] ﴿ وَاجِفَةٌ ﴾ مُضْطَرِبَةٌ ، أَوْ خَائِفَةٌ وَجِلَةٌ . [۹] ﴿ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةً ﴾ ذَلِيلَةٌ مُتَكْسِرَةٌ مِنَ الْقَرْعِ . [۱۰] ﴿ فِي

الْخَافِرَةِ ﴾ إِلَى الْحَالَةِ الْأُولَى (الْحَيَاةِ) . [۱۱] ﴿ كُنَّا عِظْمًا تَخْرُجُ ﴾ بِأَلِيَّةٍ مُتَفَتِّتَةٍ . [۱۲] ﴿ كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴾ رَجْعَةٌ غَابِئَةٌ .

[۱۳] ﴿ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴾ صَيْحَةٌ وَاحِدَةٌ (نَفْخَةُ الْبَغْتِ) . [۱۴] ﴿ هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴾ هُمْ أَخْيَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ .

آقای محمود رامیار نویسنده کتاب تاریخ قرآن که در مجامع دانشگاهی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد در سال ۱۳۴۲ شمسی اقدام به تهیه فهرست واژگان و فهرست مطالب قرآن نموده است. ایشان فهرست الفاظ را بر اساس حروف الفباء و صیغه فعل‌ها قرار داده است. وی همچنین فهرست مطالب را بر اساس موضوعات مختلف طراحی نموده که آن را در ۳۲ فصل تنظیم کرده و برای هر فصل، شاخه‌ها و فروعی قرار داده که در مجموع ۱۵۰۰ شاخه را در بر می‌گیرد. در هر یک از این شاخه‌ها، سعی کرده است آدرس آیات و سوره‌های مربوطه را ذکر تا خواننده بتواند آن موضوع خاص را در آیات مختلف جستجو نماید. نمونه‌ای از تحقیق ایشان توسط اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا به همراه متن قرآن کریم با خط ظاهر خوشنویس به چاپ رسیده است. (رامیار، ۱۳۴۲)

شورای تحقیق مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی اقدام به تهیه و چاپ مصحف حاشیه‌داری نموده است که آقای محمد فقیهی رضایی به همراه جمعی از همکاران تحقیق در سال ۱۳۸۴ آن را فراهم آورده است. ایشان متن قرآن را در قسمت بالای صفحات سمت راست قرار داده و ترجمه آن را در ذیل همان صفحه جای داده است. در صفحات سمت چپ سعی شده است با عنوان نکات و توضیحات، مفاهیم و مسائل مهم و مورد توجه صفحه‌شناسایی و بر اساس تفاسیر معتبر شیعه و سنی بخصوص تفسیرالمیزان، تفسیر نمونه، مجمع‌البیان، الکشاف و سایر تفاسیر به شرح و توضیح بپردازد (فقیهی رضایی، ۱۳۸۴)

آقای ابوالفضل بهرام‌پور از قرآن‌پژوهان ایران اقدام به تهیه مصحف حاشیه‌داری نموده است که اساس کار خود را بر معناشناسی واژگان قرار داده است. وی متن قرآن را در متن صفحه قرار داده و در حاشیه‌های متن به برگردان فارسی واژگان مشکل آیات پرداخته است. ایشان آیات هر صفحه را به دو قسمت تقسیم نموده و شمارگان آیات هر صفحه را به دو قسمت تقسیم و با ذکر شمارگان آیات هر دسته، واژه‌های مربوط به آن آیات را در ذیل شمارگان آورده است. ایشان در مقابل هر واژه عربی قرآن پراگماتری گشوده و ریشه آن واژه را متذکر شده سپس به ترجمه فارسی آن اشاره کرده است. همچنین گاهی به مصداق‌یابی و یا تفسیرگذاری برخی آیات یا واژگان نیز توجه کرده

است. ایشان همچنین به ترجمه آیات قرآن نیز اقدام نموده و ترجمه آیات هر صفحه را در مقابل سمت چپ آن قرار داده است. این مصحف به همت سازمان دارالقرآن الکریم مورد بررسی و تصحیح قرار گرفته و در سال ۱۳۸۶ در قطع وزیری از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به زیور طبع آراسته گردید. (بهرام پور، ۱۳۸۶)

شماره: ۱۳۵۱۳۳۶  
 تاریخ: ۱۳۸۶-۰۹-۰۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ



**این مصحف شریف شامل: سی جزء کامل**

**و با مشخصات:**

خطاط	عثمان طه (رسم الاملاء)
نوع خط	نسخ
مترجم	ابوالفضل بهرام پور
نوع ترجمه	مقابل (بانتظام شرح لغات)
زبان ترجمه	فارسی
قطع	وزیری (اندازه متن قرآن: جیبی بزرگ)
تعداد سطور در هر صفحه	پانزده
تعداد صفحات متن قرآن	۶۰۴ (مجموع صفحات: ۱۲۲۳)
نوبت چاپ	اول
محل چاپ و چاپخانه	قم - سرور
تعداد	پنج هزار جلد

در تاریخ ۸۶/۹/۶ از جهت صحت کتابت و انطباق با قرائت عاصم به روایت حفص در اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم سازمان دارالقرآن الکریم بررسی و تصحیح گردید که مراتب در پرونده شماره (۹۷۰۱۰۴۹۱۰۶۰۲۱۰۳۱۵۰۶۰۴۲۰) ثبت و چاپ آن توسط انتشارات هجرت با رعایت مقررات اعلام شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع می‌باشد.

بدیهی است انتشار این مصحف شریف پس از چاپ منوط به دریافت مجوز نشر (توزیع) و تجدید چاپ آن مشروط به تأیید مجدد و صدور مجوز کتبی اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم خواهد بود.

و من الله التوفیق  
 سازمان دارالقرآن الکریم



۱۵۱، ۱۵۰	۱۱۸، ۷۲، ۱۸ : ۴ م	قَاعِدًا	۲۵ : ۶۸ م	۳۰ : ۹
۱۵۶، ۱۵۵ ك	۲۳، ۲۰، ۱۲ : ۵	۱۲ : ۱۰ ك	۴ : ۷۵ ك	۴ : ۶۳ م
۴۸، ۴۸ : ۸ م	۲۷، ۲۶، ۲۵	الْقَاعِدُونَ (۲)	الْقَارِعَةُ (۵)	قَاتَلُوا (۳)
۲۸، ۱۵، ۲ : ۱۰	۷۲، ۳۱، ۲۷	۹۵ : ۴ م	۳۱ : ۱۳ م	۱۹۵ : ۳ م
۷۷، ۷۱	۱۱۰، ۱۱۰	۲۴ : ۵ م	۴ : ۶۹ ك	۲۰ : ۳۳ م
۸۰، ۷۹	۱۱۲، ۱۱۲	الْقَاعِدِينَ (۴)	۳، ۲، ۱ : ۱۰۱ ك	۱۰ : ۵۷ م
۸۴، ۸۱	۱۱۵، ۱۱۴	۹۵، ۹۵ : ۴ م	قَارُونَ (۴)	قَاتَلُوا (۹)
۸۹، ۸۸	۱۱۶، ۱۱۶	۸۶، ۴۶ : ۹ م	۷۹، ۷۶ : ۲۸ ك	۲۴۴، ۱۹۰ : ۲ م
۹۰ ك	۱۱۹ م	قَالَ (۵۲۹)	۳۹ : ۲۹ ك	۱۶۷ : ۳ م
۲۸، ۲۷ : ۱۱	۳۰، ۳۰، ۷ : ۶	۳۱، ۳۰، ۳۰ : ۲	۲۴ : ۴۰ ك	۷۶ : ۴ م
۳۸، ۳۳	۷۶، ۷۶، ۷۴	۶۱، ۵۴، ۳۳	الْقَاسِطُونَ (۲)	۳۶، ۲۹، ۱۲ : ۹
۴۴، ۴۱	۷۸، ۷۷، ۷۷	۶۸، ۶۷، ۶۷	۱۵، ۱۴ : ۷۲ ك	۱۲۳ م
۴۵، ۴۳	۸۰، ۷۸ ك	۷۱، ۶۹	قَاسَمَهُمَا	۹ : ۴۹ م
۴۷، ۴۶	۹۳، ۹۳ م	۱۱۸، ۱۱۳	۲۱ : ۷ ك	قَاتَلُوكُمْ (۳)
۵۴، ۵۰	۱۲۸، ۱۲۸ ك	۱۲۴، ۱۱۸	الْقَاسِيَةَ (۳)	۱۹۱ : ۲ م
۶۳، ۶۱	۱۳، ۱۲، ۱۲ : ۷	۱۲۴، ۱۲۴	۱۳ : ۵ م	۹۰ : ۴ م
۶۹، ۶۵	۱۶، ۱۵، ۱۴	۱۲۶، ۱۲۶	۵۳ : ۲۲ م	۹ : ۶۰ م
۷۸، ۷۷	۲۴، ۲۰، ۱۸	۱۳۱، ۱۳۱	۲۲ : ۳۹ ك	قَاتَلُوهُمْ (۳)
۸۴، ۸۰	۳۸، ۳۸، ۲۵	۱۶۷، ۱۳۳	قَاصِدًا	۱۹۳ : ۲ م
۹۲، ۸۸ ك	۶۱، ۶۰، ۵۹	۲۴۶، ۲۴۳	۴۲ : ۹ م	۳۹ : ۸ م
۱۰۰، ۵، ۴ : ۱۲	۶۷، ۶۶، ۶۵	۲۴۷، ۲۴۷	قَاصِرَاتٍ (۳)	۱۴ : ۹ م
۱۸، ۱۳	۷۵، ۷۳، ۷۱	۲۴۹، ۲۴۸	۴۸ : ۳۷ ك	قَادِرٍ (۷)
۲۱، ۱۹	۸۰، ۷۹، ۷۶	۲۵۸، ۲۴۹	۵۲ : ۳۸ ك	۶۵، ۳۷ : ۶ ك
۲۶، ۲۳	۸۸، ۸۸، ۸۵	۲۵۸، ۲۵۸	۵۶ : ۵۵ م	۹۹ : ۱۷ ك
۳۰، ۲۸	۹۳، ۹۰	۲۵۹، ۲۵۹	قَاصِفًا	۸۱ : ۳۶ ك
۳۶، ۳۳	۱۰۶، ۱۰۴	۲۵۹، ۲۵۹	۶۹ : ۱۷ ك	۳۳ : ۴۶ ك
۳۷، ۳۶	۱۱۶، ۱۰۹	۲۶۰، ۲۵۹	قَاصِرٍ	۴۰ : ۷۵ ك
۴۳، ۴۲	۱۲۳، ۱۱۶	۲۶۰، ۲۶۰	۷۲ : ۲۰ ك	۸ : ۸۶ ك
۴۷، ۴۵	۱۲۷، ۱۲۷	۲۶۰ م	الْقَاصِيَةَ	قَادِرُونَ (۵)
۵۰، ۵۰	۱۲۹، ۱۲۸	۴۰، ۳۸، ۳۷ : ۳	۲۷ : ۶۹ ك	۲۴ : ۱۰ ك
۵۴، ۵۱	۱۴۰، ۱۳۸	۴۱، ۴۱، ۴۰	قَاطِمَةً	۹۵، ۱۸ : ۲۳ ك
۵۵، ۵۴	۱۴۳، ۱۴۲	۵۲، ۵۲، ۴۷	۳۲ : ۲۷ ك	۴۰ : ۷۰ ك
۶۲، ۵۹	۱۴۳، ۱۴۳	۸۱، ۵۹، ۵۵	قَاعًا	۲۳ : ۷۷ ك
۶۶، ۶۴	۱۵۰، ۱۴۴	۱۷۳، ۸۱ م	۱۰۶ : ۲۰ ك	قَادِرِينَ (۲)



سورَةُ الْبَقَرَةِ ۲۸۶ ۲۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۱  
وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۲  
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۳

جمعه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده). ۱ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. ۲ (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند، و نماز را برپا می‌دارند، و از تمام نعمتها مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. ۳ و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند، و به رستخیز یقین دارند. ۴ آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند، و آنان رستگارانند. ۵

## نکات و توضیحات

محتوای سوره بقره: قسمت عمده این سوره در بیان این حقیقت است که بندگان خداوند باید به تمام کتاب‌های آسمانی ایمان داشته باشند و میان پیامبران الهی هیچ فرقی نگذارند و از این رو در این سوره، کافران و منافقان و اهل کتاب به دلیل فرق گذاشتن میان ادیان آسمانی و پیامبران الهی توبیخ و سرزنش شده‌اند. در قسمت‌هایی از این سوره، برخی از احکام مانند: برگشتن قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، حج، ایت، روزه و ... بیان شده است.<sup>۱</sup>

۱. حروف متشابه: در باره حروف مقطعه و تفسیر آن، سخنان فراوانی به میان آمده است. در میان این نظریات، دو نظریه بیشتر جلب توجه می‌کند: یکم این که حروف مقطعه، اسراری بین خداوند و پیامبر اوست و علم به این اسرار نیز نزد خود آنهاست<sup>۲</sup> و دومین نظریه این است که خداوند با حروف مقطعه، این مطلب را بازگو کرده که این قرآن از همین حروفی است که شما نیز به آن دسترسی دارید (مانند الف، لام، میم و ...): ولی توانایی آوردن کتابی مانند قرآن را ندارید و همین مطلب دلیل بر و حیاتی بودن قرآن است.<sup>۳</sup>

۲. هدایت: هدف نزول قرآن: هدایت یعنی نشان دادن راه به گونه‌ای که انسان را به مقصد برساند.<sup>۴</sup> هادی کسی است که پیشاپیش گروهی حرکت می‌کند و راه را به آنها نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> خداوند در آیات فراوانی (مانند این آیه)، قرآن را کتاب هدایت معرفی کرده است. آری، قرآن به راستی هدایت محض است: هدایتی که هیچ‌گونه گمراهی و تیرگی در آن راه ندارد.<sup>۶</sup> پس غرض خداوند از نازل کردن آن، نشان دادن راهی است که به سعادت ابدی انسان‌ها منجر می‌شود؛ چنان که خداوند در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره مائده می‌فرماید: «از طرف خدا نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و آنها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید.» با توجه به این مطلب، روشن می‌شود که قرآن، کتابی تاریخی، علمی و ... نیست؛ بلکه هدف قرآن از بیان تاریخ پیامبران و اقوام گذشته و ذکر مطالب علمی گوناگون و ... تنها هدایت و نشان دادن راه سعادت به انسان است.

۳. رزق: فراتر از نان و آب: رزق به معنای بخشش مستمری است که در اوقات معین می‌رسد و گاه به نصیب و بهره نیز گفته می‌شود. بعضی نیز گفته‌اند که رزق به معنای انعام و بخشش مخصوصی است که مطابق مقتضای حال طرف و بر طبق حاجت او باشد تا حیات و زندگی‌اش تداوم یابد. جالب توجه این که معادل لغت رزق در فارسی، واژه روزی است؛ یعنی انعام و بخششی که هر روز می‌رسد و شامل حال افراد می‌شود.<sup>۷</sup> باید توجه داشت که رزق و روزی، به مادیات و آب و نان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه هر آنچه که انسان برای کمال خویش به آن نیاز داشته باشد، رزق است. به همین دلیل، در دعاهایی که از معصومین (ع) به ما رسیده است، چیزهایی مانند: عقل کامل، علم سودمند، مال فراوان و حلال، شخصیت والا، فرزند صالح، ایمان ثابت، خیر دنیا و آخرت، زندگی پاکیزه، شفاعت، حج خانه خدا، زیارت قبور معصومین (ع)، دفن شدن در کنار مزار ایشان و محسوس شدن با آنها به عنوان رزق از خدا طلب شده است. امام صادق (ع) علم را یکی از رزق‌های الهی می‌داند و در ذیل این آیه می‌فرماید: «یعنی از آنچه که به آنها یاد داده‌ایم، بین مردم نشر می‌دهند.» بنا بر این، تعلیم نیز نوعی انفاق است.<sup>۸</sup>

۱- المیزان، ج ۱، ص ۴۶  
 ۲- صافی، ج ۱، ص ۹۰  
 ۳- اقتباس از نمونه، ج ۱، ص ۶۲  
 ۴- کشاف، ج ۱، ص ۲۵  
 ۵- مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۶۵  
 ۶- تفسیر موضوعی، ج ۱، ص ۱۸۳  
 ۷- پیام قرآن، ج ۴، ص ۳۰۷  
 ۸- اطیب‌البیان، ج ۱، ص ۲۱۰

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كِتَابًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ  
فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فليؤدِّ الَّذِي أَوْثِنَ أَمَانَتَهُ، وَلِيَتَّقِ  
اللَّهُ رَبَّهُ، وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ  
عِندَ اللَّهِ قَلْبُهُ مُخْلَبٌ، وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾  
لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ  
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهُ  
يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ  
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ  
إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ  
وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا  
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ  
اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ  
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ  
عَلَيْنَا أَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا  
تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا  
أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

۲۸۳-۲۸۴-کُنتُمْ (کون):  
بودید، هستید. ان کُنتُمْ علی  
سَفَرٍ: اگر در سفر بودید. لَمْ  
تَجِدُوا (وجد): نیافتید. رِهَان  
جمع زهن: گرونی. راغب  
اصفہانی آنرا مانند زهن مصدر  
می‌داند؛ یعنی گرونی گرفتن.  
مَقْبُوضَةٌ (قبض): گرفته شده،  
دریافت شده. آمِنَ: اعتماد کرد.  
فَإِنْ آمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا: پس اگر  
یکی از شما بر دیگری اعتماد کرد.  
أَوْثِنَ (أمن): امین شمرده شد،  
به او اعتماد شد. یُؤدِّي (أدی):  
ادا می‌کند، می‌دهد. فلیؤدِّي  
الَّذِي أَوْثِنَ أَمَانَتَهُ: پس باید ادا  
کند کسی که به او اعتماد شده  
امانت وی را. لیتقی (وقتی): «امر  
غایب» باید تقوا پیشه کند.  
لَا تَكْتُمُ (کتم): کتمان نکن.  
مَنْ يَكْتُمُ: هر کس کتمان کند.  
ایم: گناهکار. فَإِنَّهُ أَيْمٌ قَلْبُهُ: پس

البته گناهکار است دل او. یَمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ: بدانچه می‌کنید آگاه است. تُبَدُّونَ (بذو): آشکار می‌کنید. ان تُبَدُّوا مَا فِي  
أَنْفُسِكُمْ: اگر آشکار کنید آنچه در دل‌های شماست. تُخْفَوْنَ (خفی): مخفی می‌کنید. أَوْ تُخْفَوُهُ: یا پنهان کنید آنرا.  
يُحَاسِبُ: محاسبه می‌کند. يَغْفِرُ: می‌آمرزد. يُعَذِّبُ: عذاب می‌کند. مَنْ يَشَاءُ: هر که را بخواهد.

۲۸۵-۲۸۶-آمِنَ: ایمان آورد. انزل: نازل گردید. لا نُفَرِّقُ (فرق): فرق نمی‌گذاریم. سمعنا: شنیدیم. اطعنا  
(طوع): اطاعت کردیم. غُفْرَانَكَ رَبَّنَا: بار الهی! مغفرت تو را «می‌خواهیم». مَصِير (صیر): برگشت، پایان کار، تحول  
و شدن. لَا يُكَلِّفُ: تکلیف نمی‌کند. وُسْع: مقدار توان، تمکن. كَسَبَ: به دست آورد. كَتَمَ: با میل و رغبت به

نگارنده در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ با شورای عالی قرآن وابسته به بیت مقام معظم رهبری همکاری داشت. در آن سال ها به همراه گروهی سه نفره از استادان علوم و فنون قرآنی اقدام به تهیه و تالیف « مصحف محشی» نمود که حاصل آن در سال ۱۳۸۷ توسط مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی به چاپ رسید. در این مصحف که متن قرآن در میان هر صفحه قرار دارد، حاشیه سه گانه ای برای متن نگارش شده است. در قسمت بالای هر صفحه به توضیح کلی و اجمالی راجع به مسائل و مطالبی پرداخته شده که آیات صفحه به آن اشاره دارد. این توضیحات بر اساس معناشناسی واژگان و عبارت های قرآنی تنظیم شده است و گاهی بنا بر ضرورت به نکات تفسیری و یا آماری اشاره شده است. در قسمت کناره این مصحف که برای استفاده معلمان قرآن و قاریان کشور طراحی شده به بررسی مباحث مربوط به وقف و ابتدا در برخی آیات پرداخته شده و دلایل علمی و فنی وقف یا وصل و انواع آن به صورت تحلیلی آمده است. از آنجا که تحلیل علمی وقف یا وصل مورد توجه قرار گرفته است در برخی موارد با جایگاه اعرابی و یا حتی معناشناسی واژگان و عبارت ها اشاره رفته است. در قسمت پایین هر صفحه با عنوان « نکات و لغات » به بررسی معناشناسی و تحلیل برخی واژگان مهم متن صفحه پرداخته شده و معنای واژگان مشکل و مهم صفحه نگارش شده است. در این قسمت بر اساس نیاز، گاهی به مباحث تفسیری اشاره رفته است و به مباحث علوم قرآنی و یا حتی علوم تاریخی نیز به صورت گذرا توجه شده است. این بخش از حواشی بر اساس کتب لغت معتبر مانند: مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی، مقایس اللغه ابن فارسی، لسان العرب ابن منظور و صحاح جوهری همراه با توجه به تفاسیری مانند المیزان فی تفسیر القرآن علامه طباطبایی و تفسیر نمونه آیت اله مکارم شیرازی تهیه و تدوین شده است. ( شهیدی پور و همکاران، ۱۳۸۷)

عنوان: مصحف مُحشی

طرح و نظارت: دکتر امیر محمود کاشفی

تحقیق و نگارش: حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا شهیدی پور، دکتر

حمیدرضا مستفید، دکتر عبدالمجید طالب‌تاش و مهندس کریم دولتی

ویرایش و بازنگری محتوایی: مصطفی زرنگار

تایپ، تصحیح و بازخوانی: مرکز طبع و نشر قرآن کریم (و با همکاری

حمیدرضا مروّجی طیبسی و دکتر سعید رحمانی)

آماده‌سازی رایانه‌ای: هادی عبادی

ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

قطع: رحلی کوچک

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نخستین آیه، پلید بودن شراب و قمار و بت‌ها را یادآور می‌شود و آن را رفتاری شیطانی معرفی می‌کند که پرهیز از آن، بر مؤمنان واجب است. سپس هشدار می‌دهد که شیطان از این طریق می‌خواهد در میان شما، بذر کینه و دشمنی بیفکند و از نماز و ذکر خدا بازدارد. آیات بعدی، روی سخن را به مؤمنان می‌نماید و آنها را به اطاعت از خدا و رسول فرا می‌خواند، و از روی فضل و رحمت، به آنها امیدواری می‌دهد که چنانچه کسانی پیش از ایمان، شراب نوشیده‌اند اما سپس به پارسایی و ایمان همراه با رفتار نیک و به احسان روی آورده‌اند، گناهی نیست. آیات انتهایی به تبیین حکم صید می‌پردازد و تذکر می‌دهد که در حال احرام از صید کردن پرهیز نمایید، و هر کس به عمد صید کند، بر او کفاره‌ای معادل آن صید واجب می‌شود.

#### وقف، وصل و ابتداء:

۹۰- در این آیه محلی برای وقف کافی وجود ندارد، زیرا کلمه «رجس» خبر «انما» بوده و عبارت «فاجتنبوه» نیز عطف بر آن می‌باشد. بهترین محل برای وقف حسن کلمه «فاجتنبوه» می‌باشد و ابتدای از همین کلمه صحیح است. در صورت وقف بر عبارت «رجس من عمل الشیطان» ابتدای صحیح کلمه «انما» می‌باشد که آغاز جمله بعد از نداست.

۹۱- در صورت وقف بر کلمه «والمیسر» چاره‌ای به جز ابتدای از «ان یوقع» نمی‌باشد، زیرا کلمه «و یصدکم» عطف بر آن بوده و از آن نباید ابتدا کرد.

۹۳- محل وقف کافی در این آیه عبارت «ثم اتقوا و احسنوا» می‌باشد بهترین محل وقف حسن عبارت «و عملوا الصالحات» دوم می‌باشد و ابتدای از «ذا ما اتقوا» قابل قبول است.

۹۵- اولین محل برای وقف حسن، «من النعم» می‌باشد و ابتدا از «فجزاء» صحیح است، در صورت توانایی، می‌توان تا «مساکین» یا حداقل «کفارة» تلاوت نمود. در این صورت، شروع دوباره از «او کفارة» خواهد بود.

#### نکات و لغات:

۹۰- المیسر: معنای این واژه در آیه ۲۱۹ سوره بقره آمده است. - الانصاب: (جمع نصب) سنگ‌ها و بت‌هایی که در اطراف کعبه قرار داشت و مشرکان جاهلی آنها را بزرگ می‌داشتند و در برابر آنها قربانی می‌نمودند.

- الازالام: معنای واژه در آیه ۳ ذکر شده است.

۹۱- العداوة و البغضاء: در آیه ۱۴ توضیح داده شد.

۹۳- فیما طعموا: در آنچه خورده‌اند، منظور شراب‌ها و قمارهایی است که مؤمنان پیش از ایمان آوردنشان، بر اساس رسم جاهلیت مرتکب شده‌اند.

۹۴- تناله ایدیکم و رماحکم: معنای «تیل» در آیه ۱۲۴ بقره آمده است. «رمح» جمع «رمح» به معنای نیزه است. معنای عبارت: دست‌ها و نیزه‌های شما به آنها می‌رسد.

۹۵- فجزاء: مبتدا برای خبر محذوف است که عبارت «مثل ما قتل من النعم» بر آن (خبر محذوف) دلالت دارد. «من النعم» و «یحکم به» از اوصاف «جزاء» هستند.

- هدیاً بالغ الکعبة: «هدی» یعنی قربانی مخصوص بیت الله الحرام و قربانی حج. نقش «هدیاً» حال از ضمیر در «به» و «بالغ الکعبة» نعت آن است. «یحکم به... بالغ الکعبة»: دو نفر عادل از شما به این همانندی گواهی دهند و به عنوان قربانی به قربانگاه حرم کعبه برسد.

- لیدزوق وبال امره: تا فرجام بد و عاقبت سوء گناهش را بچشد.

- ذو انتقام: معنای این واژه در آیه ۴ سوره آل عمران ذکر شد.

سورة المائدة ۵

جزء ۷

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَامُ رِجْسٌ  
مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاَجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٩٠﴾ اِنَّمَا يَرِيْدُ  
الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّوَقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَبِغْضًا فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ  
وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُنْتَبِهُوْنَ ﴿٩١﴾ وَاطِيعُوا  
اللّٰهَ وَاطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاَعْلَمُوْا اِنَّمَا عَلٰى  
رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلٰى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا  
الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوْا اِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوْا وَعَمِلُوا  
الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوْا ثُمَّ اتَّقَوْا وَءَامَنُوْا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ  
﴿٩٣﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِيُبَلِّغَنَّكُمْ اللّٰهُ بِرِسْوٰةٍ مِّنَ الصّٰبِغِ تَنٰلَهُ  
اَيْدِيْكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَن يَخٰفُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن اَعْتَدٰى بَعْدَ  
ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٩٤﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْتُلُوا الصّٰبِغِ  
وَاَنْتُمْ مُّحْرَمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُّتَعَدِّيًا فَبِجَزَاةٍ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ  
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدٰىا۟ بِلِغِ الْكَعْبَةِ اَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ  
مَسٰكِيْنَ اَوْ عَدْلٌ ذٰلِكَ صِيٰمًا لِّيَذُوْقَ وِبٰلِ اَمْرِهِۦ عَفَا اللّٰهُ عَمَّا  
سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللّٰهُ مِنْهُ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُوْا نِقٰمٍ ﴿٩٥﴾

در سال ۱۳۸۸ آقای مهدی محمودیان با همکاری واحد پژوهش بیت القرآن امام علی علیه السلام قم مصحف حاشیه داری فراهم نموده که برای استفاده خانواده ها پیش بینی شده است. ایشان سعی کرده است در مقابل هر صفحه لغات جدید صفحه را که در صفحات پیشین نیامده است به فارسی برگردان کند.

لذا کل لغات قرآن ( با حذف تکراری ها) فقط یک بار ترجمه شده است. ایشان در ذیل واژه‌گاه ترجمه شده هر صفحه، قسمتی با عنوان « لغات تکراری » قرار داده است که پیش از این در صفحات قبل ترجمه شده است. وی در مقابل هر لغت تکراری عددی قرار داده که نشان دهنده صفحه ای است که ترجمه آن لغت آمده است. در صورتی که لغتی در یک صفحه از مصحف، بیش از یک بار تکرار شده باشد، فقط اولین تکرار آن در آن صفحه در بخش لغات تکراری ذکر شده و از تکرار موارد بعدی در آن صفحه خودداری شده است. ایشان همچنین در صفحات سمت چپ به ارائه معانی و مفاهیم و موضوع آیات به صورت « ترجمه توضیحی » پرداخته که برای عموم قابل فهم باشد لذا معیار ایشان در ترجمه و توضیح صفحات سمت چپ، نحوه گویش به زبان فارسی است و به ارائه ترجمه تحت اللفظی پرداخته است. ایشان در صفحات سمت چپ تمام آیات را به صورت توضیحی و با گویش فارسی، ترجمه و برگردان کرده است. (محمودی، ۱۳۸۸)





هر یک از سوره های قرآن « هدف » و یا « اهدافی » را دنبال می کنند که آیات جایگزین شده در سوره، بیانگر آنهاست.

بر این اساس نگارنده، طرح پژوهشی « بررسی محتوایی سوره به سوره قرآن کریم » در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج اجرا کرده است. در این طرح، آیات مجاور و همسایه که یک معنا و موضوع واحد را دنبال می کنند شناسایی شده و سعی شده است آن موضوع واحد شناسایی و به نگارش در آید. موضوع آیات در دو سطح اجمالی و تفصیلی مورد گزارش قرار گرفته است. در سطح اجمالی موضوع آیات عنوان گذاری شده است و در سطح تفصیلی به تفصیل آنچه را که آیات همسایه دنبال می کنند توضیح داده شده است. این طرح در بهمن ماه ۱۳۸۸ به پایان رسید و نظر به اهمیت مساله، نگارنده هم اکنون در حال تهیه جدول موضوعات سوره ها می باشد که موضوع شناسی آیات از دو سطح به سه سطح تغییر خواهد کرد و یک سطح « کوتاه»

همراه با جدول موضوعی آیات به نمایش گذاشته خواهد شد. موضوع گذاری آیات براساس تفاسیر معتبر شیعی سنی صورت گرفته است که در سطح موضوع گذاری تفصیلی با عنوان « توضیح » ارجاع داده شده است. (طالب تاش، ۱۳۸۸)

بقره ۱ تا ۵

موضوع : هدایت گری قرآن برای پارسیان

توضیح : قرآن کتاب هدایت به معنای « دلیل و راهنما » است که کسانی که از هدایت اولیه برخوردار شوند یعنی به صفات « ایمان به غیب، برپایی نماز، انفاق، ایمان به آنچه بر پیامبران نازل گردیده، و یقین به آخرت » متصف شوند، جزء پرهیزگاران می گردند و هدایت ثانویه قرآن نیز شامل حال آنان می گردد و دلیل و راهنمای آنها در زندگی می شود.

(المیزان/۵/۱ - نمونه ۶۸/۱ - مفاتیح الغیب /۲۶۶/۱)

بقره ۶ تا ۷

موضوع : کافران لجوج از پذیرش حق محروم اند

توضیح : کافرانی که در گمراهی خود سرسخت اند به حجابی از ناحیه خودشان و به حجابی از طرف خداوند گرفتار می شوند که سبب می شود هشدار پیامبران نسبت به عذاب الهی در آنها بی تأثیر باشد. (المیزان/۶۴/۱ - نمونه/۸۲/۱) این گروه به خاطر لجاجتی که دارند دل هایشان از پذیرش حقیقت امتناع می ورزد (روض الجنان و روح الجنان/۱۱۳/۱) مهر خوردن بر دل کفار اختصاص به آن دسته از کافرانی دارد که سر سختی می ورزند و گرنه شامل حال تمام آنها نمی شود. (تفسیر القرآن العظیم

۳۵۲/۱/ بقره ۸ تا ۲۰

موضوع : شرح حال منافقان

توضیح : منافقان به دلیل اینکه در قلبشان ایمان ندارند از آثار حقیقی ایمان محروم اند (المیزان /۶۷/۱) و به خاطر بیماری دل، گرفتار شک و نفاق می شوند. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن/۷۲/۱) قرآن با ذکر مشخصات منافقان، چهره باطنی آنها را مشخص نموده و الگویی در این زمینه در اختیار مسلمانان قرار می دهد (نمونه /۹۳/۱)



قرآن ، یک وصف ثابت برای این گروه بیان نکرده زیرا گفتارشان با رفتار و نیت قلبی آنها منطبق نیست و دچار اختلال فکری و ناهماهنگی نفسانی اند.

نگارنده طرح پژوهشی « قرآن مترجم » را در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا آغاز کرده است که بر اساس این طرح ، حاشیه ای بر متن قرآن طراحی شده است تا استادان قرآن ، قاریان و دانشجویان رشته های علوم قرآنی بتوانند با استفاده از معنائشناسی واژگان قرآنی به فهم معنای متن قرآن دست یابند. ترجمه واژگان و یا ترکیب های قرآنی بر اساس منابع تفسیری و لغوی صورت گرفته است که در حاشیه کناری متن قرآن قرار خواهد گرفت. از آنجا که برخی آیات از شهرت معنایی بیشتری برخوردارند و یا دارای شأن نزول ویژه ای می باشند .

در این طرح سعی شده است از هر صفحه متن، یک آیه مشهور شناسایی و با استغاده از منابع تفسیری ، شرح و توضیح داده شود برای اینکه خواننده بتواند توضیح آیات را دنبال کند و با تفسیر بیشتر آیه آشنا شود نام تفسیری که مطالب توضیحی از آن اتخاذ شده است نیز ذکر گردیده است. این طرح پژوهشی که در زمستان ۱۳۸۹ به پایان رسیده است پس از چاپ می تواند به صورت یک کتاب جامع مورد استفاده استادان و پژوهشگران قرآنی قرار گیرد . لذا پیش بینی شده است که در هنگام چاپ، خلاصه ای از قواعد تجویدی و نیز کشف الایات و کشف المطالب در آخر آن جایگزین شود تا استفاده کنندگان به راحتی بتوانند آیه یا آیات مورد نظر خود را در آن جستجو نمایند.

از آنجا که نکات تفسیری بر مبنای آرا و اندیشه های مفسران شیعی پیش بینی شده است ، کتاب های مجمع البیان فی تفسیر القرآن اثر علامه طبرسی ، المیزان فی تفسیر القرآن اثر علامه طباطبایی و تفسیر نمونه اثر آیت الله مکارم شیرازی به عنوان تفاسیر محوری تعیین شده اند و چندین تفسیر شیعی دیگر به عنوان تفاسیر جانبی مورد استفاده قرار گرفته است تا به این وسیله مراجعه کنندگان بتوانند در مورد مسائل مهم هر صفحه با اندیشه های مفسران شیعی نیز آشنا شوند . و در مورد منابع لغوی کتاب مفردات الفاظ القرآن از راغب اصفهانی ، معجم مقاییس اللغه از ابن فارس و صحاح

اللغه از جوهری به عنوان منابع اصلی در نظر گرفته شده است ، ضمن اینکه برای معنا شناسی واژگان از منابع تفسیری و برخی منابع لغوی دیگر نیز استفاده شده است .



۱۵- یأتین: انجام می دهند , مرتکب می شوند , فاحشه : کارزشت, در اینجا «عمل زنا» , نسائکم : زنان تان ( در اینجا زنان محصنه یعنی شوهردار) - استشهدوا : گواه بگیرید , امسکوهن : آنها را نگهداری و حبس نمایید , يجعل الله لهن سبیلا : خداوند راهی برای آنها قرار دهد (حکم تغییر کند)

۱۶- یأتیان : آن دو (زن و مردزناکار) انجام می دهند [زنان غیر محصنه یعنی بدون شوهر] , آذوهما : آن دو را آزار دهید , اعرضوا : صرف نظر نمایید

۱۷- توبه : بازگشت , يعملون السوء : مرتکب کارزشت می شوند , گناه می کنند ,

جهاله : نادانی , جهالت در اینجا در مقابل عقل است یعنی تحت تأثیر شهوت و نفس خود مرتکب زشتی شوند.

۱۸- اعتدنا : آماده ساختیم

۱۹- لا یحلّ لکم : برای شما حلال نیست , أن ترثوا النساء : که زنان را به ارث ببرید (بر اساس رسم جاهلی اگر مردی همسر داشت و از دنیا می رفت, چنانچه همسر او مادر فرزندان نبود , او را همانند سایر اموال از پدر خود به ارث می بردند , قرآن این عمل را تحریم نمود) , لا تعضلوهن : بر آنها سخت نگیرید , عاشروهنّ بالمعروف : با آنها به شایستگی رفتار کنید .

- آیه از دو نوع توبه سخن می گوید : ۱- توبه خداوند ۲- توبه انسان

توبه انسان به معنای بازگشت او از گناه همراه با ندامت و پشیمانی و تطهیر او از آلودگی گناه است. آیه پذیرش توبه انسان را به « انجام گناه از روی جهالت » مشروط

ساخته است. منظور از « جهالت در گناه » این است که شخص از روی هوا و هوس نفسانی و خشم و شهوت مرتکب عمل ناشایستی بشود و بدون آنکه با حق عناد و لجاجت بورزد مرتکب گناه شود و بلافاصله پس از انجام آن پشیمان شود و اظهار ندامت نماید. علامه طباطبایی تعبیر « ثم یتوبون من قریب » را توبه قبل از مرگ می داند یعنی شخص گناهکار نباید پس از انجام گناه، از روی تنبلی و مسامحه کاری و سهل انگاری توبه خود را تا لحظه واپسین مرگ به عقب نیندازد بلکه باید قبل از رسیدن به حالت احتضار توبه نماید. و اما منظور از توبه خداوند، بخشش و آمرزش اوست که به دنبال قبولی توبه گناهکار حاصل می شود.

### نتیجه گیری

از آنجا که قرآن کریم توسط پیامبر اسلام به مردم ابلاغ شده است و یه صورت یک متن مکتوب در آمده است و از طرفی برخی آیات نیاز به توضیح دارد از همان عصر نزول قرآن مساله حاشیه گذاری بر قرآن با بیان فضایل قرائت آیات و سور آغاز شد و مسلمانان پیوسته پیرامون مسائلی مانند شان نزول آیات و یا ترجمه واژگان و عبارات قرآنی به زبان غیر عربی حاشیه هایی بر قرآن نگشته اند.

با پیشرفت صنعت چاپ و شیوه های مدرن کتاب نویسی این امر رشد فزاینده ای به خود گرفت و کتاب هایی متعددی تالیف شد که با توضیحات متعددی مانند ترجمه واژگان، شان نزول آیات، ذکر نکات تفسیری و سایر اطلاعات پیرامون آیات و سور و یا کشف الآیات، به فهم بهتر آیات و یا موضوعات قرآنی کمک می کند.

قرآن مترجم، نمونه ای از این گونه فعالیت های قرآنی به شمار است که نگارنده سعی نموده است ضمن معنا گذاری واژگان مشکل تر هر صفحه، با استفاده از منابع تفسیرهای شیعی، به ذکر توضیحاتی پیرامون آیه مشهورتر آن صفحه بپردازد.

### منابع و مأخذ

۱- بهرم پور، ابوالفضل، ۱۳۸۶ شمسی، ترجمه و شرح واژگان قرآن کریم، انتشارات هجرت، قم.

- ۲- جمعه، ایراهیم، ۱۹۶۹ میلادی، درسه فی تطور الكتابات الكوفيه على الاحجار في مصر، دارالفکر العربی، قاهره .
- ۳- حاج سید جوادی و همکاران، احمد، ۱۳۸۰ شمسی، دایره المعارف تشیع، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران .
- ۴- حداد عادل و همکاران، غلامعلی، ۱۳۷۵ شمسی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، .
- ۵- حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۶۸ شمسی، تاریخ قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، تهران .
- ۶- الحمصی، محمد حسن، تفسیر و بیان مفردات القرآن ف موسسه الایمان، بیروت، بی تا .
- ۷- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ شمسی، لغت نامه، جلد ششم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، .
- ۸- رازی، فخر الدین، ۱۴۱۱ قمری، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم،
- ۹- سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۳، الاتقان فی علوم القرآن، امیر کبیر، تهران.
- ۱۰- صبحی صالح، ۱۳۶۳، علوم الحدیث و مصطلحه، دارالکتب الاسلامی، تهران.
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بنیاد فکری علامه طباطبایی، قم، بیتا.
- ۱۲- طهرانی، شیخ آغا بزرگ، ۱۴۳۰ قمری، الذریعه الی تصانیف الشیعه، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت .
- ۱۳- عبد الباقی، محمد فواد، ۱۳۷۲ شمسی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، انتشارات اسلامی، تهران .
- ۱۴- شهیدی و همکاران، عبدالمجید، ۱۳۸۷ شمسی، مصحف محشی، انتشارات اسوه (به سفارش سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران .
- ۱۵- طالب تاش، عبدالمجید، ۱۳۸۹ شمسی، طرح پژوهشی قرآن مترجم، دانشگاه آزاد اسلامی فسا.

- ۱۶- طالب تاش ، عبدالمجید ، ۱۳۸۹ شمسی ، طرح پژوهشی بررسی محتوایی سوره به سوره قرآن کریم ، دانشگاه آزاد اسلامی کرج .
- ۱۷- فقیهی رضایی، محمد، ۱۳۸۴، مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۱۸- مخلوف ، محمد ، ادرا بن کثیر ، بیروت ، بی تا
- ۱۹- محمودیان ، مهدی، ۱۳۸۸ شمسی ، آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم ، انتشارات نشر ، قم .
- ۲۰- معرفت ، محمد هادی، ۱۴۱۶ قمری ، التمهید ، موسسه النشر الاسلامی ، قم .